اولین شاهد روائی جمع دو روایت به قصد زیاده

در باب پنجم، حدیث دهم؛

> **عن عبد الله بن سنان أنه سأل أبا عبد الله عليه السلام عن رجل صام شعبان فلما كان شهر رمضان أضمر يوما من شهر رمضان فبان أنه من شعبان لأنه وقع فيه الشك، فقال: يعيد ذلك اليوم، وإن أضمر من شعبان فبان أنه من رمضان فلا شيء عليه[1]**

مویداتی دارد که در جمع به آن میرسیم. اما این سه موردی که عرض میکنم روشن است. دقیقاً امام نیت را مطرح میکنند. «وإن أضمر من شعبان فبان أنه من رمضان فلا شئ عليه»؛ این «اضمر» دقیقاً مربوط به نیت او میشود. پس کلمه «اضمر» در روایت دهم شاهد میشود که «ازیده» بهمعنای «ازیده باضمار».

شاگرد: در مقنع «بان» ندارد اما در اینجا «بان» دارد.

استاد: عبارت را بدون «بان» هم بخوانیم. «فلما كان شهر رمضان أضمر يوماً من شهر رمضان أنّه من شعبان ، لأنّه وقع في الشّك ، فقال عليه‌السلام : يعيد ذلك اليوم ، وإن أضمر من شعبان أنّه من شهر رمضان فلا شيء عليه».

شاگرد۲: اگر به نیت شعبان گرفته باشد و بعد معلوم شود که رمضان است، چرا باید اعاده کند؟ روزه شعبان که واجب نیست تا آن را اعاده کند.

استاد: «بان» در اینجا از حیث حکم برعکس نمیشود؟! پس شاهد این است که «فبان» میخواهد. اگر «فبان» باشد مشکلی نیست اگر «فبان» را برداریم حکمش برعکس میشود.

شاگرد: برعکس نمیشود. «اضمر یوما من شهر رمضان» یومی را که واقعاً از شهر رمضان بوده، «اضمر انه من شعبان». بعد میفرمایند «و ان اضمر من شعبان» یعنی واقعاً از شعبان است، «انه من رمضان»؛ یعنی روزی که واقعاً از شعبان است را نیت کند که از رمضان باشد، خب فلاشیء علیه.

شاگرد۲: حکمش بالعکس میشود.

24:06

استاد: لاشیء علیه روی معانی که ایشان میفرمایند منافاتی با آن چیزی که در عروه هست ندارد؛ «لایقع شیء منهما». عبارت مقنع را بخوانید.

> **سأله عبد اللّٰه بن سنان عن رجل صام شعبان ، فلمّا كان شهر رمضان أصمر يوما ًمن شهر رمضان [فبان] أنّه من شعبان ، لأنّه وقع حدّ الشّكّ ، فقال عليه‌السلام : يعيد ذلك اليوم ، وإن أصمر من شعبان [فبان] أنّه من شهر رمضان فلا شيء عليه[2]**

اگر این روایت باشد معارض میشود با روایات کثیره ای که در فرض میگویند ینطبق علیه. در اینجا حضرت میگویند لاینطبق علیه. چرا؟ چون «اصمر انه من شعبان». و حال آنکه فتوای مشهور همین است. میگویند باید قصد شعبان بکنید. خب این نسخه خلاف مشهور مفتیبه میشود، خلاف سائر روایات میشود. اما اگر «فبان» باشد که دیگر خلاف سائر روایات نمیشود. ما نسخهای را انتخاب کنیم که سقط دارد و خلاف سائر روایات است، یا نسخهای را انتخاب کنیم که اضافه دارد؟ اصل با اضافه است. همچنین با سائر روایات هم منافاتی ندارد. لذا خیال میکنیم اولویت با «فبان» باشد. شاید خود مقنع نسخههای مختلفی داشته باشد.

شاگرد: اینکه خلاف مشهور است را دوباره بیان میکنید.

استاد: قسمت اول آن را عرض میکنم. «اصمر یوما من شهر رمضان انه من شعبان»، حضرت فرمودند «یعید». خب این خلاف روایات است. لذا اولویت با همان «فبان» میشود. هم از جهت اینکه زیادی هست و اصل در زیادی در حدیث و سقط در حدیث، با زیادی است.

شاگرد۲: نبودن «بان» با سیاق سازگارتر نیست؟

استاد: نه، «فلمّا كان شهر رمضان»؛ این «کان» تامه است. بهمعنای «وقع» است. «أصمر يوما ًمن شهر رمضان»؛ نیت کرده. همین که الآن بهعنوان شاهد عرض میکردم. لذا من که نسخه وسائل را خواندم با کلمه «فبان»، «اصمر» را موید نیت گرفتم. اگر «فبان» نباشد موید «ازیده» نخواهد شد.

شاگرد: وقتی روزه ماه شعبان واجب نیست، یعیده در اینجا به چه معنا میشود؟

استاد: «**فلمّا كان شهر رمضان**»؛ یعنی دخل و وقع، حصل شهر رمضان، «أصمر يوما ًمن شهر رمضان أنّه من شعبان، لأنّه وقع حدّ الشّكّ ، فقال عليه‌السلام : يعيد ذلك اليوم»؛ حضرت میفرمایند درست نیست. روزه ماه مبارک بوده و او قطعاً نیت ماه شعبان کرده. لذا باید اعاده کند.

شاگرد: اشکال من در فرض وجود «فبان» است.

استاد: آن موید روایت محمد بن مسلم است. کسی که یوم الشک را بگیرد و بان انه من رمضان، باید اعاده کند.

شاگرد: قسمت اول روایت را میگویم.

استاد: من این را در مطالعه توجه داشتم. نه اینکه او کل ماه شعبان را گرفته، «یعید» بهمعنای یعید وجوبی از باب ماه مبارک نیست. یعید یعنی آن فایده نداشته. اگر بخواهد استحبابی روزه

گرفته باشد قضا می‌کند. قضائی که به همان حکمی که «من شعبان» بوده قضا می‌کند.

شاگرد: فتوای مشهور در اینکه اگر یوم الشک را به نیت شعبان روزه بگیرد، این بود که مستحب است.

استاد: در اینجا برعکس است. «اضمر من رمضان»، لذا باطل می‌شود. کلاً باطل است، لایقع لشیء منه‌ما. «فبان» باشد خوب است. فقط همین سؤال هست که چرا حضرت فرمودند «یعدی»؟ خب یعدی ندبا. یعنی لم یقع لشعبان. همینی که در عروه هم بود؛ لایقع لشیء منه‌ما. این با آنها مناسب است. «فبان» نسخه خوبی است.

شاگرد۲: «بان» هم نباشد فی الجمله می‌توان تأیید «ازیده» باشد. به این معنا که اصل پیش‌فرض او یوم الشک بوده. یعنی در فضای یوم الشک به جای اینکه هیچ نیتی نکند نیت شعبان کرده است.

استاد: بله، از صرف اضمر به همه وجوهش.

تصویر قضاء روزه مستحبی

شاگرد: مگر ما در روزه مستحبی قضا داریم؟ مثلاً من می‌خواهم کل ماه شعبان را روزه بگیرم و الآن معلوم شد که یکی از روزهای آن را نگرفته ام، این قضاء دارد؟ یعنی بگویم می‌خواهم قضای آخرین روزه ماه شعبان را بگیرم؟

استاد: در بحث قضا اینکه به امر جدید است یا تابع ادا است، من تفصیلی را عرض کرده بودم. یعنی قضاء تابع ادا است. نه اینکه معروف است به امر جدید است. اما با یک نحوی که تبعیتی که در کتابها در می‌کردند نبود. به آن بیان شاید مانعی نداشته باشد. حتی قضاء اغسال مستحبی. قضاء غسل جمعه را نمی‌توانند بکنند؟ برای روز جمعه بود و تمام شد و رفت! چطور می‌خواهید قضا کنید؟! اینها خلاف ارتکاز متشرعه نیست. حتی در نماز اول ماه هم می‌گویند. البته من ندیدم. نمی‌دانم شما منصوص آن را دیده‌اید یا نه. من از علماء شنیده‌ام اگر اول ماه نخواندید در روزهای بعدی قضا کنید. نماز اول ماه را در روزهای بعد قضا کنید. از نظر ضوابطی است که قضا به امر جدید استقلالی نباشد، بلکه همان امر را قضا می‌کند. آن چه که انجام می‌دهد نفس امر قبلی است. در مباحثه‌های قبل توضیح آن را عرض کرده‌ام.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۴

[2] المقنع ۱۸۶

بازبینی #1
ایجاد شده 8 ژوئن 2026 13:52:12 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژوئن 2026 13:54:44 توسط ... .